

## عدالت جنسیتی در اسلام

فهیمة السادات میرسیدی

طلبه سطح 3 حوزه امام حسین (ع)

[f.mirseidy@gmail.com](mailto:f.mirseidy@gmail.com)

### چکیده:

در این مقاله به بررسی برخی از تفاوت های حقوقی زنان و مردان پرداخته می شود. از آنجا که مسایلی همچون ارث، دیه و شهادت از جمله مسایل مطرح در جامعه می باشد لذا سعی شده است در حد امکان به بررسی این موضوعات بپردازیم.

نخستین مسئله که مورد بررسی قرار گرفته ارث است و اینکه سهم ارث مردان در مواردی دو برابر ارث زنان است بررسی شده است و در نهایت دلیل این امر قرار داشتن برخی حقوق بر ذمه مردان است از جمله این حقوق هزینه زندگی و مهریه و نیز تحمیل دیه می باشد.

در رابطه با این موضوع که دیه زن ها نصف دیه مردها است؛ زیرا دیه جبران خسارت مادی است و واضح است خسارت مادی حاصل از فقدان مردان غالبا بیشتر از فقدان زنان هست.

در بحث شهادت در مورد علت اینکه شهادت دو مرد در حکم شهادت یک مرد است؛ زیرا شهادت امری است مستند به حس و مشاهده و حضور و شهود زن در همه جا محذور است.

## واژه های کلیدی:

زن، مرد، حقوق، ارث، دیه، شهادت

## مقدمه:

در دین مبین اسلام همه ی انسان ها از نفس واحده هستند. با توجه به ویژگی های مختلف مردان و زنان، تفاوت هایی بین آن ها وجود دارد که با دقت در این تفاوت ها به این نتیجه می رسیم که نه تنها این تفاوت ها تبعیض نیست بلکه عین عدالت است.

از جمله این تفاوت ها در مباحث ارث، دیه و شهادت می باشد که در این مقاله به این موضوع می پردازیم. اهمیت این موضوع از این جهت بود که با توجه به شبهاتی که در مورد عدالت زنان و مردان وجود دارد لذا با طرح این موضوع به شبهات پاسخ داده شده است.

درباره ی این موضوع افرادی همچون آیت الله جوادی آملی در کتاب زن آیینه جلال و جمال، شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، سعید داودی در کتاب زنان و سه پرسش اساسی و... پرداخته اند.

شیوه نگارش این مقاله کتابخانه ای بوده و با مراجعه به کتاب ها گردآوری شده است.

از جمله سوالی که پیش آمد تا به این موضوع بپردازیم بررسی عدالت جنسی زنان و مردان در اسلام بوده است.

## 1- ارث

یکی از تفاوت‌های حقوقی که زن و مرد دارند در مقدار دریافت ارث است نه دریافت ارث. بلکه زن و مرد تنها در مقدار ارثی که وارثان می‌برند با هم برابر نیستند و در اسلام مشاهده می‌کنیم که سهم ارث زن نصف سهم ارث مرد می‌باشد - در برخی موارد این موضوع صدق می‌کند.

مسئله‌ی ارث از وارث در دوران پیش از اسلام نیز وجود داشته است چنانچه فردی از دنیا می‌رفت با توجه به شرایطش به او ارث تعلق می‌گرفت.

اعراب جاهلی رسمی‌درارث داشتند که عبارت بود از این که :

1- گاهی کسی را که پسرخوانده قرار می‌دادند و در نتیجه، آن پسر خوانده مانند یک پسر حقیقی وارث میت شمرده می‌شد. رسم پسر خواندگی در میان ملت‌های دیگر و از آن جمله ایران و روم بوده است. طبق این رسم یک پسر خوانده به دلیل این که پسر است از مزایایی برخوردار بود که دختران نسلی بر خوردار نبودند. از جمله مزایای پسرخوانده ارث بردن بود، هم چنان [ که ] ممنوعیت ازدواج شخص با زن پسرخوانده یکی دیگر از مزایا و آثار بود.

2- رسم « هم پیمانی » بود. دو نفر بیگانه با یکدیگر پیمان می‌بستند که «خون من خون تو و تعرض به من تعرض به تو و من از تو ارث می‌برم و تو از من ارث ببری» به موجب این پیمان این دو نفر بیگانه در زمان حیات از یکدیگر دفاع می‌کردند و هر کدام زودتر می‌مرد و دیگری مال او را به ارث می‌برد.

3 -اعراب گاهی زن میت را جزء اموال و دارایی او به حساب می‌آوردند و به صورت سهم الارث او را تصاحب می‌کردند. اگر میت، پسری از زن دیگر می‌داشت، آن پسر می‌توانست به علامت تصاحب، جامه‌ای بر روی آن زن بیندازد و او را از آن خویش بشمارد. بسته به میل او بود که آن زن را به عقد نکاح خود درآورد و یا

او را به زنی به شخص دیگری بدهد و از مهر او استفاده کند. این رسم نیز منحصر به اعراب نبوده است و قرآن این رسم هارا منسوخ کرد. ( مطهری، مرتضی : نظام حقوق زن در اسلام، ص 221-222)

در جامعه‌ی جاهلی زنان از ارث محروم بودند و علت اصلی محرومیت آنان از ارث، جلوگیری از انتقال ثروت خانواده‌ای به خانواده‌ی دیگر بوده است. طبق عقاید قدیمی نقش مادر در تولید فرزند ضعیف است؛ مادران فقط ظروفی هستند که در آن ظرف‌ها نطفه‌ی مردان پرورش می‌یابد و فرزند به وجود می‌آید. از این رو معتقد بودند که فرزند زادگان پسری یک مرد، فرزندان او و جزء خانواده‌ی او هستند و اما فرزندان دختری او فرزندان او و جزء خانواده‌ی او نیستند، بلکه جزء خانواده‌ی پدر شوهر دختر محسوب می‌شوند. روی این حساب اگر دختر ارث ببرد و بعد ارث او به فرزندان او منتقل شود، سبب می‌شود که ثروت یک خانواده به یک خانواده‌ی بیگانه منتقل گردد.

محرومیت زن از ارث علل دیگر نیز داشته است، از آن جمله: صنعت قدرت سربازی زن است. آن جا که از ارزش‌ها بر اساس قهرمانی‌ها و پهلوانی‌ها بود و یکی مرد جنگی را به از صد هزار آدم ناتوان می‌دانستند، زن را به خاطر عدم توانایی بر انجام عملیات دفاعی و سربازی از ارث محروم می‌کردند.

عرب جاهلیت از همین نظر مخالف ارث بود و تا پای مرد - ولو در طبقات بعدی - در میان بود. به زن ارث نمی‌داد لهذا وقتی که آیه ی 7 سوره نسا (ارث) نازل شد و تصریح کرد به این که :

**«للرجال نصيب مما ترك الوالدان و الاقربون و للنساء نصيب مما ترك الوالدان و**

**الاقربون مما قل منه او كثر نصيبا مفروضا»** باعث تعجب اعراب شد.

با نزول این آیه زنان هم حق ارث دارند و دین حافظ حقوق زنان است. (قرائتی، محسن: تفسیر نور، ص

(283)

از نظر اسلام مهر و نفقه علت است و وضع ارثی زن معلول. این مطلبی نیست که تازه ابراز شده باشد، از

صدر اسلام مطرح بوده است. ( مطهری، مرتضی : نظام حقوق زن در اسلام، ص 225)

درباره‌ی ارث زن می‌توان گفت : گر چه کمبود برخی از موارد سهام را اموری مانند تحمیل هزینه‌ی زندگی او بر شوهر و نیز تحمیل مهر بر همسر و اختصاص تحمیل دیه بر عاقله مرد نه زن (یعنی زن هرگز مسئول دیه‌ی خطایی برادر و برادر زاده و مانند آن نخواهد بود) به عهده می‌گیرد، لیکن توضیح کوتاهی پیرامون اصل ارث زن و برخی از اقسام آن در این مبحث سودمند می‌باشد، اولاً معلوم باشد که زن مانند شوهر همراه با تمام طبقات ارث، حضور حقوقی دارد و در تمامی مراتب طبقه بندی شده‌ی ارث زن شوهر متوفی مانند شوهر زن متوفاه حضور دارد. ثانیاً سهم زن گاهی مساوی سهم مرد است و گاهی کمتر از آن و زمانی نیز بیشتر از سهم مرد قرار دارد. این چنین نیست که در تمام انحاء ارث سهم زن کمتر از سهم مرد باشد.

مواردی که زن همتای مرد ارث می‌برد و نه کمتر از آن عبارت است از :

1- پدر و مادر میت : در صورتی که میت فرزند داشته باشد که هر کدام از : ابوبن سدس =  $\frac{1}{6}$  می‌برد و

سهم پدر در خصوص فرض مزبور از مال فرزند، بیشتر از سهم مادر نیست.

2- کلاله‌ی مادری یعنی برادرو خواهر مادری میت که به اندازه‌ی مساوی ارث می‌برند نه با تفاوت، به

طوری که خواهر مادری میت مساوی برادر مادری میت ارث می‌برند کمتر از آن و آیه‌ی 12-11 سوره نساء دلیل این دو حکم است.

و اما مواردی که زن کمتر از مرد ارث می‌برد، مانند : دختر که کمتر از پسر ارث می‌برد و مانند کلاله‌ی

پدری و مادری یعنی برادر و خواهر پدری و مادری میت که در این صورت نیز زن یعنی خواهر میت نصف سهم

مرد یعنی برادر میت ارث می‌برد و آیه‌ی 11 سوره نساء عده دار بیان تفاوت ارث پدر و مادر میت که دارای فرزند

نباشند و نیز تفاوت ارث دختر و پسر و آیه‌ی 176 که پایان سوره‌ی نساء است عهده‌دار بیان تفاوت ارث کلاله‌ی

از یهود سخن نقدی شنیده شود، معلوم می‌شود او نیز یهودی اصیل نیست، زیرا در فرهنگ وحی، زن مقامی را داراست که می‌تواند مادر پیغمبری همچون حضرت اسحاق (ع) بشود و با فرشته‌ها سخن بگوید و این مقام منحصر در مریم علیها السلام و مادرش نیست (جوادی، آملی: عبدالله: زن آینه جلال و جمال، صص 418-417)

پس اختلاف دیه‌ی مرد و زن یکی از حکمت‌های الهی است و خداوند این قانون را وضع کرده است.

### 3- شهادت

یکی از تفاوت‌های حقوقی که میان زن و مرد وجود دارد و در قرآن تصریح شده است، مسأله‌ی شهادت است.

شهادت در لغت به معنای بیان کردن آنچه که به چشم دیده شده در نزد حاکم و قاضی است.

بر اساس تصریح آیه‌ی قرآن، در مسأله‌ی دین و معامله، شهادت دو زن، برابر با شهادت یک مرد است در سوره‌ی بقره آیه‌ی 282 می‌خوانیم:

«یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبه و لیکتب بینکم کاتب بالعدل و لایأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب و لیملل الذی علیه الحق و لیتق الله ربه و لا یبخس منه شیئا فان کان الذی علیه الحق سفیها او ضعیفا او لا یمکن ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهداء ان تفضل احداهما فتذكر احداهما الاخری»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام، یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سندرا) در میان شما بنویسد. و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن در - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند، پس باید بنویسد و آن کسی که حق بر عهده‌ی اوست، باید املا کند؛ و از خدا که پروردگار اوست، بپرهیزد، و چیزی را فرو گذار نکند. و اگر کسی که حق بر ذمه‌ی اوست، سفیه، یا (از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند و دو نفر از مردان خود را (بر این حق) شاهد بگیرد؛ و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و یک زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی از آن دو انحرافی یافت، یا فراموش کرد دیگری به او یادآوری کند. (داودی، سعید: زنان و سه پرسش اساسی، صص 352\_351)

در خطبه 80 نهج البلاغه امام علی (ع) می فرمایند: "تفاوت عقل زنان با مردان بدان جهت است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است." در این مورد شهادت امری مستند به حس و مشاهده است و حضور و شهود زن در همه جا محذور می‌باشد، خود قرآن نکته‌ی آن را ذکر می‌کند و می‌فرماید: این که شهادت دو زن، در حکم شهادت یک مرد است، نه برای آن است که زن، عقل و درکی ناقص دارد و در تشخیص، اشتباه می‌کند بلکه «ان تضل احدهما فتذكر احدهما الاخری» اگر یکی از این دو فراموش نمود دیگری او را تذکر بدهد.

زیرا که زن مشغول کارهای خانه، تربیت بچه، و مشکلات مادری بوده و ممکن است صحنه‌ای که دیده فراموش کند، بنابراین دو نفر باشند که اگر یکی یادش رفت دیگری او را متذکر کند. (جوادی آملی، عبدالله: زن آیینه جلال و جمال، ص 373) و نیز زنان به خاطر عواطف قوی ممکن است هنگام ادای شهادت به خاطر فراموشی یا جهات دیگر مسیر صحیح را طی نکنند البته این احتمال در مورد مردان نیز هست ولی در حد کمتر. (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج 2، ص 387)

در این جا موارد دیگری از تفاوت شهادت زن و مرد را بازگو می‌کنیم :

در مواردی، مانند شهادت برزایمان و ولادت طفل و این که مثلاً طفل زنده به دنیا آمده و آن گاه مرد (که در ارث بری او تاثیر دارد) شهادت یک زن (قابل) به تنهایی پذیرفته است.

در شهادت بر ازدواج و یا زنا، شهادت دو زن، به انضمام شهادت مردان، پذیرفته است البته اگر شاهد‌ها، تنها زنان باشند پذیرفته نیست، بلکه با انضمام به شهادت مردان، پذیرفته است.

در مواردی که مردان از نگاه به آن ممنوع هستند، تنها شهادت زنان پذیرفته است؛ مانند شهادت بر بکارت و ولادت، زایمان و ...

در مواردی نیز اصلاً شهادت زنان پذیرفته نیست، مانند گواهی زنان در طلاق و در رویت هلال.

در روایتی از امام رضا(ع) می‌خوانیم که فرمود : این که شهادت زنان در دیدن هلال پذیرفته نیست، بدان جهت است که زنان در قدرت دید، ضعیف هستند.

عدم پذیرش شهادت زنان در طلاق نیز بدان جهت است: که زنان از هم جنس خود طرفداری می‌کنند (و به تعبیر دیگر : تحت تاثیر احساسات قرار می‌گیرند و حقیقت را شهادت نمی‌دهند)

ساختار وجودی زنان چون بیشتر عاطفی است، بیش از مردان، تحت تأثیر احساسات خود قرار می‌گیرند و احتمال انحراف از حقیقت در شهادت، بیشتر درباره‌ی آنها می‌رود. هم چنین به دلیل غلبه‌ی عواطف و احساسات، دریافت درست واقعه به هنگام تحمل شهادت و تحفظ درست برآن، بدین جهت، برای تضمین شهادت و استواری این پایه‌ی اصلی قضاوت و داوری، باید دوزن در کنار هم گواهی دهند و هر دو با هم، جای یک مرد را پر کنند. ( داودی، سعید : زنان و سه پرسش اساسی ، صص 353-355)

## نتیجه گیری:

خداوند همه ی انسان ها را از نفس واحده آفریده است. ویژگی های متفاوت هر کدام از زن و مرد آن ها را از یکدیگر متمایز می کند.

ویژگی های متفاوت بین زن و مرد باعث شده است هر کدام از آنها حقوق ویژه ای داشته باشند. از جمله حقوقی که بین زنان و مردان مشترک است و از جهتی به ظاهر متفاوت عبارتند از: ارث، دیه و شهادت.

سهم ارث مردان در مواردی دو برابر سهم ارث زنان می باشد و این باعث شده است که عده ای فکر کنند تبعیض بین این دو جنس واقع شده است در حالی که اگر به فلسفه آن بیاندیشیم متوجه می شویم که این تفاوت ها تبعیض نیست بلکه این عدالت است. دلیل نا برابر بودن ارث بدان جهت است که تحمیل هزینه زندگی ، نفقه ، مهریه ی زن و همچنین تحمیل دیه بر عاقله مرد است یعنی زن هرگز مسئول دیه خطایی برادر و برادرزاده هایش نیست.

مساله دیگری که ممکن است مورد واقع شود این است که چرا دیه زن نصف دیه مرد است؟ این امتیاز مالی مرد در مقابل تکلیف مالی است که در زندگی از جمله در نفقه و دیه بر دوش مردان است.

همچنین در بحث شهادت نیز در بعضی موارد شهادت دو زن در مقابل یک مرد است بدین علت است که زنان از عواطف قوی تری برخوردارند و ممکن است هنگام اداء شهادت به خاطر فراموشی یا جهات دیگر مسیر صحیح شهادت طی نشود در حالیکه این حال در مورد مردان کمتر است.

با بررسی این موضوعات به این نتیجه می‌رسیم که در اسلام با حکمت‌هایی که خداوند در نظر دارد عدالت جنسیتی بین زنان و مردان وجود دارد و هیچ تفاوتی را از نظر معنوی برایشان قرار نداده و راه ضلالت و سعادت آنها یکسان و برابر است.

#### فهرست منابع و مآخذ:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. جوادی آملی، عبدالله: زن آئینه‌ی جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، 1378
4. خامنه‌ای، علی: زن ریحانه‌ی آفرینش، دار الهدای، 1381، چاپ اول
5. داودی، سعید: زنان و سه پرسش اساسی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، 1382، چاپ اول
6. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارات امیر، 1377، چاپ دهم
7. قرائتی، محسن: تفسیر نور، ج2، انتشارات در راه حق، 1377، چاپ سوم
8. مطهری، مرتضی: نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، 1383
9. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج2، دارالکتب اسلامی، 1383
10. وحیدی، محمد: فلسفه و اسرار احکام، انتشارات عصمت، 1382، چاپ سوم